



The Feminist Criticism of the Novel “Allati Taodd al-Salalem” based on Elaine Showalter’s Theory

Samaneh Dehghani¹ | Mohsen Seifi² | Ali Najafi Ivaki³

1. PhD candidate, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Foreign Languages, University of Kashan, Kashan, Iran. Email: samanehdehghan765@gmail.com
2. Corresponding Author, Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Foreign Languages, University of Kashan, Kashan, Iran. Email: motaseifi2002@yahoo.com
3. Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Foreign Languages, University of Kashan, Kashan, Iran. Email: najafi.ivaki@yahoo.com

Article Info

Research Type:
Research Article

Received:
14 Jun 2023

Received in revised form:
4 Nov 2023

Accepted:
7 April 2024

Published online:
30 May 2024

Keywords:

*Feminist Criticism,
Elaine Showalter,
Hoda Hamed,
Patriarch,
Female Identity.*

Abstract

Feminist criticism emphasizes the position of women within society. The novel *Allati Ta'ud al-Salalem* (She who counts the staircases) was authored by the Omani author Hoda Hamed. In her novel, she takes a critical approach to women's position in society critically in her novel, addressing concepts like social class inequality among women, cultural challenges they face, and masculine dominance. The present study aims to investigate this novel based on four gynocriticism models that Elaine Showalter has proposed: biological, linguistic, psychoanalytic, and cultural. The objective of this study is to provide an answer to the following inquiry: “how does the writer reflect women's components in her novel?” She has brought up concerns regarding childbirth, female circumcision, and pregnancy, considering the biological model. In terms of the psychoanalytic model, she has made reference to bipolar disorder, obsessions, compulsions, and sleep. Hamed has produced an exemplary and enlightening piece by utilizing noticeable linguistic characteristics, including vocabulary and Arabic dialect, to address women's concerns and cultural challenges, like women trafficking and physical abuse. According to the findings of the research, she has effectively identified women who are concerned with the social and cultural issues of women. Furthermore, its feministic nature is confirmed by the high frequency with which the components of Showalter's model appear in the novel under study. The narrative places such an emphasis on the cultural dimension of women that fundamental and profound cultural concerns are overshadowed by biological and psychoanalytic issues.

How To Cite: Dehghani, S., Seifi, M., & Najafi Ivaki, A. (2024). The Feminist Criticism of the Novel “Allati Taodd al-Salalem” based on Elaine Showalter's Theory. *Women in Culture & Art*, 16(1), 1-21.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jwica.2023.360432.1926>



© The Author(s).

Publisher: The University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jwica.2023.360432.1926>



فصلنامه زن در فرهنگ و هنر

سال ۱۶، شماره ۱
بهار ۱۴۰۳، ۱-۲۱



نقد فمینیستی رمان «التي تعدّ السّلام» بر اساس نظریه الین شوالتر

سمانه دهقانی^۱ | محسن سیفی^۲ | علی نجفی ایوکی^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. رایانامه: samanehdehghan765@gmail.com
۲. نویسنده مسئول، دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. رایانامه: motaseifi2002@yahoo.com
۳. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. رایانامه: najafi.ivaki@yahoo.com

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله: پژوهشی

در نقد فمینیستی، مسئله زن و جایگاه او در جامعه مطرح می‌شود. رمان «التي تعدّ السّلام»، اثر هدی حمد نویسنده زن عمانی، رویکردی نقادانه نسبت به جایگاه زنان در جامعه دارد و دربردارنده مفاهیمی چون اختلاف طبقاتی میان زنان، چالش‌های فرهنگی آنان و سیطره نظام مردسالارانه است. پژوهش پیش‌رو با رویکرد کیفی و روش توصیفی-تحلیلی رمان یادشده را در تطابق با رویکردهای چهارگانه نقد فمینیستی «الین شوالتر» شامل رویکردهای زیست‌شناختی، روان‌شناختی، زبان‌شناختی و فرهنگی بررسی می‌کند و در پی پاسخ به این پرسش است که نویسنده چگونه مؤلفه‌های زنانه را در اثر خود بازتاب داده است. حمد در بعد زیست‌شناسی زنان به مسائلی چون زایمان، ختنه زنان و بارداری اشاره کرده و در بعد روانی، مسائلی مانند وسواس فکری و عملی، خواب و دوگانگی رفتاری را مورد توجه قرار داده است. کاربرد ویژگی‌های برجسته زبانی توسط نویسنده همچون واژگان و لهجه عامیانه عربی در انعکاس مسائل زنانه و مشکلات فرهنگی چون قاچاق زنان و آزار جسمی آنها، موجب خلق اثری تأثیرگذار و آگاهی‌بخش شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد حمد با تکیه بر شگردهای زبان زنانه خود با توجه به مسائل اجتماعی و فرهنگی زنان در هویت‌بخشی به زنان موفق عمل کرده و بسامد بالای مؤلفه‌های الگوی شوالتر، زنانه‌بودن اثر وی را اثبات می‌کند. نویسنده با زبان زنانه خود، دغدغه‌های مهم و عمیق درباره زنان را در قالب مسائل زیستی، روانی و فرهنگی مطرح کرده است.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۴
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۸/۱۳
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۱۹
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۳/۱۰

واژه‌های کلیدی:

الین شوالتر، مردسالاری، نقد فمینیستی، هدی حمد، هویت زنانه.

استناد به این مقاله: دهقانی، سمانه، سیفی، محسن، و نجفی ایوکی، علی (۱۴۰۳). نقد فمینیستی رمان «التي تعدّ السّلام» بر اساس نظریه الین شوالتر. زن در

فرهنگ و هنر، ۱۶(۱)، ۱-۲۱. DOI: <http://doi.org/10.22059/jwica.2023.360432.1926>

DOI: <http://doi.org/10.22059/jwica.2023.360432.1926>

© نویسندگان

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران



۱. مقدمه

نقد فمینیستی به دنبال بررسی جایگاه زنان به عنوان عضوی از جامعه و احقاق حقوق آنان است. در این نقد، زنان به عنوان عنصری محوری بررسی می‌شوند و دغدغه‌ها و چالش‌های پیش‌روی آن‌ها ترسیم و تحلیل می‌شود. این نقد به دنبال به تصویر کشیدن و پررنگ کردن نابرابری‌های جنسیتی جامعه و بعد جنسیتی زنان و آزار آنان است و می‌تواند در از بین بردن تبعیض‌ها علیه این جنس اثربخش باشد. به عبارت دیگر، نقد فمینیستی به دنبال راهی برای مبارزه با «جنس دوم» واقع شدن زنان در جامعه است. می‌توان گفت بازتاب وضعیت تبعیض آمیز زنان در مقایسه با مردان در رمان به عنوان یکی از انواع مهم ادبی و تلاش برای پررنگ کردن حضور زنان جامعه در آگاهی‌بخشی مخاطبان مؤثر خواهد بود. افزون بر این، بررسی و تحلیل رمان‌های دربردارنده مفاهیم زنانه و فمینیستی می‌تواند گامی در جهت برابری جنسیتی و رفع تبعیض‌های موجود باشد.

رمان *التي تعد السلام* توسط هدی حمد نویسنده زن عمانی در سال ۲۰۱۴ نوشته شده است. در این اثر، دغدغه‌هایی زنانه وجود دارد و نویسنده مسائل و مشکلات زنان را از ابعاد گوناگونی مورد توجه قرار داده است. از این رو نیاز به تبیین و تحلیل این دغدغه‌ها، مشکلات و چالش‌های زنان در این رمان وجود دارد و این موضوع حائز اهمیت است. علاوه بر این، لازم است مؤلفه‌های گوناگون زبان شناختی، روان شناختی و زیست‌شناختی زنان برای انعکاس مفاهیم برجسته فرهنگی در این رمان بررسی شود تا بتوان در جهت آگاهی‌بخشی و احقاق حقوق تضییع شده زنان گام برداشت. در پرتو اهمیت مسئله، این پژوهش در پی آن است تا چگونگی انعکاس زبان زنانه را در قالب نوشتار نویسنده و بازتاب آن در رمان ارزیابی و بررسی کند. از سوی دیگر، در پرتو نقد فمینیستی بر اساس نظریه‌ی الین شوالتر، در تلاش هستیم تا مؤلفه‌های فمینیسم را در این رمان بررسی کنیم.

۱-۱. پرسش‌های پژوهش

۱. نویسنده چگونه مؤلفه‌های فمینیستی را در سیاق اندیشه‌های خود پروراند است؟
۲. کدام رویکرد از نظریه چهارگانه شوالتر در این اثر حضور پررنگ‌تری دارد؟

۱-۲. پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌هایی درباره نقد فمینیستی رمان‌های عربی انجام شده است. این پژوهش‌ها در تطبیق با نظریه‌های ناقدان فمینیستی زیادی انجام شده‌اند. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. تری تچهانی (۲۰۱۴) در اثر خود به نقد فمینیستی اثر *بنات الرياض* از رجاء الصانع پرداخت.

نگارنده این پژوهش، پس از ارائه توضیحاتی کلی در خصوص نقد زنانه و پیشینه آن، تحلیل خود را در خصوص شیوه اعتراض نویسنده به جایگاه زن در جامعه خود بیان می‌کند. این اثر به بیان وصفی مسائل زنان در رمان *بنات الرياض* شامل جایگاه زنان و اشاره جزئی به زبان نویسنده بسنده می‌کند. تفاوت موضوع پژوهش و روش آن از جمله مهم‌ترین تفاوت‌های این پیشینه با پژوهش پیش‌رو است.

۲. طلایی (۱۳۹۷) رمان *نقره دختر دریای کابل* را براساس رویکردهای چهارگانه نقد این شوالتر اعم از زبان‌شناختی، روان‌شناختی و زیست‌شناختی زنان و فرهنگی بررسی کرد. در این پژوهش نگارنده براساس این رویکرد انعکاس مسائل و رنج‌های زنان افغانستان در این رمان را تحلیل می‌کند. تفاوت این مطالعه با پژوهش پیش‌رو در تفاوت موضوع مورد بررسی یعنی رمان مورد بررسی و جامعه مورد پژوهش است.

۳. علیمی و همکاران (۱۳۹۷) در اثر خود دو اثر *سووشون* سیمین دانشور و *چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم* زویا پیرزاد را براساس رویکرد چهارگانه شوالتر مطالعه کردند. نگارندگان به انعکاس مفاهیم اجتماعی زنانه در این دو اثر به صورت تطبیقی پرداختند و مؤلفه‌های فمینیستی این دو اثر را با تکیه بر نظریه شوالتر تحلیل کردند. تفاوت این مقاله با پژوهش پیش‌رو در تفاوت رمان‌های مورد بررسی و تکیه بر مضامین خاص رئالیستی دو جامعه است.

۴. مختاری (۱۳۹۶) به بررسی رمان *ستر از منظر فمینیستی* پرداخت و مفاهیم این رمان را در تطبیق با نظریه شوالتر قرار داد. این پایان‌نامه مفاهیم رمان را از چهار محور روانکاوانه، زبان‌شناسانه، زیست‌شناسانه و فرهنگی بررسی می‌کند. مطابق این تحقیق، سبک نوشتاری زنانه این رمان بر مبنای الگوی چهارگانه این شوالتر است. همان‌طور که مشخص است، شاهد تفاوت رمان و سبک نوشتار زنانه آن با پژوهش ذکر شده هستیم.

۵. غلامی و همکاران (۱۴۰۱) در اثر خود به خوانش فمینیستی چهار رمان نویسندگان زن الجزایری بر طبق نظریه «نقد وضعی» شوالتر پرداختند. در پایان، نگارندگان به این نتیجه رسیدند که این نویسندگان طی مراحل سه‌گانه نظریه نقد وضعی شوالتر از مرحله تقلید و فمینیستی تا کسب هویت فردی، به ندرت موفق بوده‌اند و تنها احلام مستغانمی در رمان *الأسود یلیق بک* در کسب هویت فردی زنان موفق عمل کرده است. تفاوت این پیشینه با پژوهش پیش‌رو در موضوع مورد مطالعه، یعنی تفاوت رمان‌ها و نویسندگان و همچنین استفاده از نظریه دیگر شوالتر در بررسی فمینیستی آثار ادبی است. در پیشینه ذکر شده، نگارندگان به خوانش فمینیستی نویسندگان با استفاده از رویکرد سه‌گانه نقد وضعی همت گمارده‌اند. این در حالی است که در مقاله پیش‌رو، نویسندگان در بررسی و تحلیل محتوای رمان‌های فمینیستی از رویکردهای چهارگانه شوالتر بهره می‌گیرند.

با بررسی‌هایی که درباره رمان *التی تعد السلام* انجام شد، مشخص شد تاکنون در خصوص این رمان پژوهشی صورت نگرفته است. با توجه به انعکاس پربسامد موضوعات زنان و دغدغه‌های آنان

در این رمان، تلاش کردیم با پژوهش پیش‌رو این جای خالی را پر کنیم؛ چنان‌که ادبیات ابزاری برای بیان واقعیت‌های اجتماعی است و زنان به عنوان عضوی از این واقعیت اجتماعی باید مطرح شوند، مشکلاتشان ذکر شود و با آگاهی‌بخشی برای رفع این مشکلات گام برداشته شود.

۲. نظریه‌الین شوالتر^۱

نقد فمینیستی، جامعه‌مردسالار و ادبیاتی که مردان در محوریت آن هستند را به نقد می‌کشاند. این نقد به دنبال شناساندن فرهنگ‌ها و آداب و سنن اقوام گوناگون نیز هست و تلاش می‌کند با ارائه راهکار در مقابل زن‌ستیزی در جامعه جریان‌ساز باشد. نقد فمینیستی در پی نشان‌دادن خشونت‌های مردان علیه زنان است و به نوعی برتری جنس مذکر را زنان محکوم و با آن مبارزه می‌کند. راه شناخت رمان‌های فمینیستی را می‌توان به‌تصویر کشیدن زنانی دانست که مورد ظلم و آزار مردان در تمامی ابعاد قرار گرفته‌اند (Tyson, 2012: 180).

نقد فمینیستی به‌عنوان نقدی ادبی و رویکردی آگاهانه در دهه ۱۹۶۰ به‌وجود آمد. این نقد پس از آن به‌وجود آمد که زنان غرب برای احقاق حقوق خود تلاش‌های زیادی کردند (Dad, 2003: 484). نقد فمینیستی جامعه‌مردسالار و ادبیاتی را که محوریت آن مردان هستند نقد می‌کند. نقد فمینیستی یا همان نقد زن‌محور علاوه بر پرداختن به موضوع شورش زنان علیه مردان، در پی تصویر کردن خشونت‌های مردان علیه زنان است که برتری جنس مذکر را محکوم می‌کند.

نظریه‌های نقد فمینیستی با این دیدگاه که این نقد صرفاً در پی بررسی زیبایی‌شناسانه آثار ادبی است، مخالف‌اند. در حقیقت این نقد به دنبال آشکار کردن ساختارهای جنسیتی قدرت است و در نتیجه نظریه‌پردازان این نقد به متعهد بودن این نقد اعتقاد دارند (Payandeh, 2003: 106).

شوالتر نظریه‌پرداز آمریکایی در کتاب *ادبیات خودشان، رمان‌نویسان زن انگلستان از بروته تا لسیگ*^۲ به بررسی رمان‌های زنان رمان‌نویس انگلستان پرداخت. یکی از نظریه‌های شوالتر در خصوص نقد فمینیستی که به درک آسان آن کمک می‌کند و به‌نوعی راهگشا است، بررسی الگوی وی در چهار محور زیست‌شناسانه، زبان‌شناسانه، روان‌شناختی و فرهنگی است. پرداختن به هریک از این محورها تلاشی است تا کیفیت یک اثر ادبی زنانه را مورد ارزیابی و تحلیل قرار دهیم (Showalter, 1981: 186-187). در ادامه رویکردهای مورد نظر تبیین می‌شود تا در گام بعدی رمان مورد مطالعه با آن تطبیق داده شود.

الف) رویکرد زیست‌شناسانه^۳: این رویکرد به بررسی تصاویر مربوط به بدن زنان با لحن شخصی آثار ادبی می‌پردازد. شوالتر در این رویکرد، رابطه بدن زن را با حوادث اجتماعی و آداب‌ورسوم جامعه

1. Showalter Elaine

2. A Literature of Their own: British Woman Novelists From Bronte to Lessing

3. Biologique

بررسی می‌کند (Robbins, 2009: 127).

ب) رویکرد زبان‌شناسانه^۱: در این رویکرد به بررسی تفاوت‌های زبان زنانه و مردانه پرداخته می‌شود. این الگو در پی پاسخ به این پرسش است که آیا زنان نویسندگان می‌توانند زبان مخصوص به خود را به‌وجود آورند. بررسی زبان و جنسیت نیازمند تأمل و تحلیل است (Mohammadi Asl, 2009: 13). با توجه به این موضوع که بررسی زبان و جنسیت نیازمند تحقیقات میدانی است و باید متغیرهای زیادی بررسی و تأثیر هریک به‌طور جداگانه ثابت شود، در بخش زبانی، رمان را از جنبه‌های واژگان مطالعه می‌کنیم.

پ) رویکرد روان‌شناختی^۲: رویکرد روان‌شناختی، ناهنجاری‌های روان یک فرد را بررسی می‌کند. رویکرد روان‌کاوانه از دید شوالتر درواقع تحلیلی از ویژگی‌های روان زنان را که در خلق آثار ادبی و به‌ویژه رمان مؤثر بوده است، مطالعه می‌کند (Showalter, 1981: 189).

ت) رویکرد فرهنگی^۳: در این الگو به بررسی نقش اجتماع در شکل‌دادن به فعالیت زنان پرداخته می‌شود. درواقع این الگو نوع نگاه به زنان را مطالعه می‌کند و می‌توان آن را نوع از نقد جامعه‌شناسانه دانست. زن به‌عنوان عضوی از جامعه، از جامعه تأثیر می‌گیرد و بر آن تأثیر می‌گذارد. همان‌طور که نقد اجتماعی نیز به بررسی رابطه متقابل جامعه و آثار ادبی می‌پردازد.

۲-۱. خلاصه رمان *التی تعد السلام*

هدی جمهوری حمد، نویسنده زن عمانی، در سال ۱۹۸۱ در عمان متولد شد. از او چهار مجموعه داستان به نام‌های «نميمة مالحة»، «لیس بالضبط كما أريد»، «الإشارة البرتقالية» و «أنا الوحيد الذی أكل التفاحة» و همچنین چهار رمان به نام‌های «أسامینا»، «الأشیا لیست فی أماكنها»، «سندریلات مسقط» و «التی تعد السلام» منتشر شده است. او برنده جایزه الإبداع العربی بالشارقة برای رمان «الأشیا لیست فی أماكنها» و همچنین جایزه برترین رمان عمان در سال ۲۰۰۹ برای همین رمان شده است (Hamad, 2016: 159).

رمان درباره زنی به نام «زهیه» است؛ زهیه زنی از خانواده سستی با باورهای قدیمی است؛ زنی قدرتمند که از کودکی طعم پدرسالاری، تنبیه پدر و تفاوت را حس کرده است. برای به‌دست‌آوردن تمامی حقوق خود از جمله حق تحصیل، کار و ازدواج با خانواده خود جنگیده و آن‌ها را به‌دست آورده است. او با «عامر» مردی آفریقایی-عرب به خواست خود ازدواج می‌کند و زندگی عاشقانه و مرفه‌ای هم دارد و دارای دو فرزند به نام‌های رایه و یوسف است. وسواس و نگاه خودخواهانه وی سبب شده تا با تمامی خدمتکاران زن خود رفتار نامناسبی داشته باشد و تمامی خدمتکاران استعفا دهند. درنهایت،

1. Linguistique
2. Psychologique
3. Culturelle

پس از استعفای دارشین خدمتکار سریلانکایی چندساله او و بررسی‌های فراوانش، فانیس اتیوپیایی را به‌عنوان خدمتکار خانه خود انتخاب می‌کند.

زهیه که رفتاری غیرانسانی و به دور از احساسات با فانیس دارد، از گفت‌وگو با او نیز پرهیز می‌کند. در این میان، زهیه خواب زنی پوشیده را می‌بیند که برای خودکشی در پله‌های خانه او تلاش می‌کند. علی‌رغم میل زهیه، عامر فانیس را به گفتن داستان زندگی خود ترغیب می‌کند. او در دام قاچاقچیان انسان افتاده و دچار مشکلات فراوانی شده است. خواب زنی که قصد خودکشی دارد را فانیس هم می‌بیند و او این موضوع را با زهیه در میان می‌گذارد. این موضوع سبب می‌شود تا ارتباطات این دو علی‌رغم مقاومت ابتدایی زهیه بهبود پیدا کند. در آخرین خواب‌های زهیه، او پی می‌برد که زن خواب‌هایش خود اوست. درنهایت، با رفع تفکرات نادرست زهیه در خصوص فانیس و رفع مشکلاتشان، این دو به دوستانی صمیمی تبدیل می‌شوند و خواب‌های این دو به پایان می‌رسد.

۳. بررسی الگوهای چهارگانه شوالتر در رمان آلتی تعد السلام

مفاهیم بازتاب داده‌شده در رمان آلتی تعد السلام براساس رویکرد چهارگانه شوالتر به شکل زیر تحلیل و بررسی می‌شود.

۳-۱. رویکرد زیست‌شناسانه

شوالتر در این رویکرد، رابطه بدن زن را با حوادث اجتماعی و آداب‌ورسوم جامعه مطالعه می‌کند (Robbins, 2009: 127).

۳-۱-۱. رویکرد زیست‌شناسانه و بارداری

یکی از توانایی‌های زیستی زنان، باروری و تولیدمثل است. توانایی زن در تولد و تولیدمثل اهمیت فراوان دارد که با مفهوم مادری گره خورده است (Esfandiari, 2017: 150). در رمان آلتی تعد السلام نویسنده بارها به مفهوم بارداری اشاره می‌کند: «لایمکن أن أكون حاملاً، عمر رابطة لم يتجاوز السنة»^۱ (Hamad, 2014: 25). اشاره به لفظ «حاملاً» تأکید مستقیم حمد به این بعد بیولوژیکی زنان است. حمد با نمایش پیوند مسائل زیستی زنان با شرایط زنان قصد دارد تمامی ابعاد زنان را به مخاطب نشان دهد. در حقیقت او با اشاره به ابعاد گوناگون جسم زنان، نقش‌های هویتی او را پررنگ‌تر می‌کند: «فی الشهر السادس تأكدت أني أحمَلُ بنتاً»^۲ (Hamad, 2014: 22). نویسنده در این جمله با لفظ اُحمَل به بعد زیستی بارداری در زنان اشاره می‌کند. او در تلاش است با پررنگ‌تر کردن مسئله بارداری به‌نوعی ابعاد گوناگون و مهم زیستی زنان را نمایان کند. تمرکز حمد در

۱. ممکن نیست باردار باشم. رایه یک سالش هم نشده است.

۲. ماه ششم بارداری‌ام بود که مطمئن شدم دختری را باردار هستم.

اوایل رمان به جنبه‌های زیستی زنان بیشتر و پررنگ‌تر بوده است. در ادامه این توجه جای خود را به ابعاد روان‌کاوانه و فرهنگی می‌دهد. نویسنده با استفاده از زبان خود به بیان تجربیات جسمی زنان می‌پردازد و این بعد را نیز برای مخاطب نمایان می‌کند.

۳-۱-۲. رویکرد زیست‌شناسانه و زایمان

پایان دوران بارداری و روند تولد فرزندان، زایمان نام دارد. این فرایند، کارکردی زیستی-اجتماعی دارد و از جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی قابل بررسی است. در رمان *التی تعد الساللم*، نویسنده در بخش‌های گوناگون به مسئله زایمان و وضع حمل اشاره می‌کند. حمد به این بعد زیستی زنان اهمیت می‌دهد و ابعاد گوناگون این موضوع را بررسی می‌کند. در بخشی از داستان، حمد به سختی و درد این مسئله اشاره کرده است: «و أنا أطلب من عامر يستشعر حركتها، و أنا أمشي، و أنا أقبض على يد عامر و أعصرها بقوة في ساعات الولادة العصبية»^۱ (Hamad, 2014: 22). لفظ «ساعات الولادة العصبية» به میزان درد و آسیب جسمی زهیه ناشی از درد زایمان اشاره دارد. در بخش دیگر نویسنده به آسیب‌های جسمی پس از این دوران نیز اشاره می‌کند: «عندما لاحظت تساقط شعري في دورة المياة بعد إجابتي لابتني رايه، جن جنوني.... كنت أشعر بشعري الطويل فاحم السواد يتسألُق بياض البانيو و المرحاض»^۲ (Hamad, 2014: 15). عبارت «جن جنوني» به آسیب روحی پس از مشاهده عوارض زایمان و ریزش موی زنان اشاره دارد. «شعري الطويل» به معنای موی بلند است که پس از زایمان زهیه شروع به ریزش کرده بود. نویسنده قصد دارد با تأکید بر این بعد زیستی زنان، اهمیت این مسئله مهم را به دلیل نقش زنان در فرزندآوری، نزد مخاطب آشکار کند و به همراهی بهتر با زنان در زایمان و دوران پس از آن اشاره کند. می‌توان گفت حمد با اشاره به آسیب‌های این بعد از زیست زنان، به نوعی در پی اصلاح تفکرات درباره مسائل زیستی زنان در جامعه خود و دیگر جوامع بوده است؛ تفکرات نادرستی که زیست طبیعی بدن زنان را در نظر نمی‌گیرد و بستری برای همزیستی با او و درک او فراهم نمی‌کند. شوالتر نیز خصوصیات زیستی زنان را در ارتباط با جامعه و سازوکارهایش بررسی کرده است.

۳-۱-۳. رویکرد زیست‌شناسانه و ختنه زنان

ختنه به هر رویه‌ای می‌گویند که موجب شود آلت تناسلی زنان به دلایل غیرپزشکی ناقص شود (World Health Organization, 2014). حمد در این رمان، از توجه به این مسئله مهم

۱. در حال راه رفتن از عامر می‌خواستم حرکت بچه را در شکم حس کند و در لحظه‌های دشوار زایمان دست عامر را محکم می‌گرفتم و می‌فشردم.

۲. پس از به دنیا آمدن دخترم رایه، هنگامی که ریزش موهایم را در دستشویی دیدم، دیوانه شدم... احساس می‌کردم موی بلند و پرکلاغی‌ام از سفیدی و تمیزی وان و دستشویی بالا می‌رود.

زیست‌شناسانه زنانه غافل نبوده است. او در بخش‌های ابتدایی روایت به این موضوع اشاره می‌کند. می‌توان گفت اشاره نویسنده به این مسئله ناشی از دغدغه او به‌عنوان یک زن برای سلامتی زنان است. افزون بر این، نویسنده با اشاره به این موضوع به دنبال آگاهی‌بخشی به مخاطب خود به‌منظور جلوگیری از ختنه و مبارزه با آن است. «الباب المغلق، نهشة الألم، ثورة الدم بين ساقی، سجلت ذاكرتی ذلك البتر المتوحش. سجلت ملابسی الملطخة بالدماء. سجلت دموعي. حدتني أمی عن الفتاة التي أعادها زوجها إلى بيتها لأنها لم تختن»^۱ (Hamad, 2014: 24-25) لفظ «لم تختن» به شکل مستقیم به ختنه زنان اشاره دارد. نویسنده به بعد فرهنگی این مسئله نیز به‌وضوح اشاره می‌کند؛ چرا که ختنه‌شدن دختر سبب عدم ازدواج او با فرد دیگری شده است. این امر نشان از نفوذ و رخنه این مسئله در افکار و اذهان مردم جامعه دارد که عدم ختنه دختران را نادرست و ناصحیح می‌داند. نویسنده با عبارت «سجلت ذاكرتی» به ثبت این مسئله در ناخودآگاه زنان می‌پردازد. همچنین به پیامدهای روحی بلندمدت ناشی از این برخورد نامناسب با زنان توجه می‌کند. از آنجا که اشاره شده که عدم ختنه زنان، نوعی بی‌آبرویی برای آنان به حساب می‌آید، عدم پذیرش زهیه برای ختنه دخترش، آگاهی زنان و نسل بعد را نشان می‌دهد. همان‌طور که در مبارزه با این پدیده گفته شده، مهم‌ترین راه، آگاهی‌دادن در خصوص اثرات منفی این موضوع بر سلامتی زنان است. می‌توان گفت موضوع ختنه زنان که در رمان مطرح شده، از جمله مسائل مهم زیستی زنان است که در ارتباط با جامعه و تفکرات نادرست درباره بدن زنان، اهمیت پیدا می‌کند و نویسنده با بیان آن به‌نوعی در پی انتقاد از این رخداد و آسیب‌های آن است. این همان مسئله‌ای است که شوالتر در نظریه خود به آن اشاره کرده است و زیست زنان را در ارتباط با رخدادهای درون یک جامعه دنبال می‌کند.

زهیه با تمام قوا مانع ختنه کردن دختر خود به دست مادرش می‌شود: «من المستحيل أن أعيد ذات السیناریو البشع الذي ارتكبه أمی... سحبتُ راية ذات السبعة الأشهر من بين يديها و قلت لها: لا تحاولی فی هذا الموضوع»^۲ (Hamad, 2014: 24). عبارت «السیناریو» به همان قضیه ختنه زهیه در کودکی اش اشاره دارد. مانع شدن زهیه از اینکه دخترش ختنه شود، به این مسئله اشاره دارد که باید تمامی راه‌های این برخورد غیرانسانی با زنان بسته شود و در اولین گام باید مادران مانع ختنه شدن دختران خود شوند. این موضوع سبب آگاهی نسلی می‌شود و زنان را به مقابله با این رخداد دعوت می‌کند. بدین ترتیب این بعد زیستی که حمد به آن اشاره می‌کند در تطابق با رویکرد نقدی

۱. در بسته، هجوم درد، جاری شدن خون بین ساق پاهایم را یادم هست. آن پاره‌پاره شدن وحشیانه، لباس‌های خونین‌ام و اشک‌هایم برای همیشه در خاطر من ثبت شده است... مادرم داستان دختری را برایم تعریف کرد که شوهرش شب عروسی او را به خانه پدرش بازگردانده بود؛ چون ختنه نشده بود.
محال است آن سناریوی زشتی را که مادرم در حق من انجام داد، تکرار کنم. رایه هفت‌ماهه را از میان دستان مادرم کشیدم و به او گفتم در مورد این موضوع تلاش نکن.

شوالتر قرار می‌گیرد.

۳-۱-۴. رویکرد زیست‌شناسانه و شیردهی زنان

شیردادن به عمل تغذیه کردن نوزاد توسط مادر گفته می‌شود (Elahidoost, 2012: 1). هدی حمد به این بعد زیستی زنان توجه نشان داده و در رمان به آن اشاره کرده است: «لم یرضع عامر من أمه بی سورا سوی مرة واحدة، المرة التي تلت الولادة» (Hamad, 2014: 61). حمد به‌وضوح به لفظ یرضع یا شیردادن اشاره کرده و آن را با مفهوم مادری پیوند داده است. نویسنده با اشاره به این بعد زیستی، اهمیت آن را نیز یادآور می‌شود. حمد به مسئله شیردادن زنان هم در دوران کودکی عامر و هم به شیردادن خود زهیبه به فرزندانش اشاره می‌کند. این بعد زیستی زنان که با مفهوم مادرشدن معنا پیدا می‌کند، تحت تأثیر متغیرهایی چون عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز هست. «رسمتُ یوسف عندما لعق أصابعه المليئة بالدم لحظة الولادة قبل أن یرضع من ثديي ضحكت بعد نوبة الأکم الهائل^۱» (Hamad, 2014: 70). نویسنده با کاربرد و ترکیب لفظ الدم با الرضع به دردهای زنان و تحمل آسیب‌های جسمی زنان نیز اشاره می‌کند. او با برجسته کردن بعد زیستی زنان و شیردهی به نوزاد برای تأمین تغذیه او، به‌نوعی سازوکارهای اجتماعی و فرهنگی حضور زنان را نیز تقویت کرده است.

۳-۲. رویکرد روان‌شناختی

از دید شوالتر رویکرد روان‌کاوانه، تحلیلی از ویژگی‌های روان زنان است که در خلق آثار ادبی و به‌ویژه رمان مؤثر بوده است (Showalter, 1981: 189).

۳-۲-۱. رویکرد روان‌شناختی و دوگانگی رفتاری

یکی از معضلاتی که گاه در رفتار برخی از افراد مشاهده می‌شود، دوگانگی رفتار یا تناقض در حرف و عمل است (Zaer Kaa, 2018: 47). یکی از مسائلی که در این رمان در خصوص مسائل روان‌کاوی به چشم می‌خورد، دوگانگی رفتار یا تناقض رفتاری است. شخصیت زهیبه به‌عنوان شخصیتی متناقض شناخته می‌شود. این موضوع به حدی واضح است که عامر همسر او نیز از این مسئله انتقاد می‌کند: «كيف تجمعين كل هذه التناقضات: مناضلة في سبيل حقك في العلم و الزوج و تقليص الإنجاب إلى طفلين و ضد الختان و ضد النساء القانعات بحظوظهن القليلة في الحياة، و بالمقابل إنت عدائية تجاه النساء البسطيات اللواتي قطعن مساءات طويل لأجل مبلغ تكسبينه أنت يا زهية من بيع عباءة واحدة؟^۲»

۱. عامر فقط یک بار شیر مادرش بی‌سورا را خورد. یک بار پس از به‌دنیا آمدن.

۲. یوسف را کشیدم هنگامی که در زمان تولد، قبل از خوردن شیر من، انگشتان پر از خونس را مکیده بود. بعد از هجوم دردی وحشتناک خندیدم.

۳. زهیبه، چگونه این همه تناقض و دوگانگی در وجودت جمع شده است؟ برای رسیدن به حق تحصیل و ازدواج و تعیین تعداد فرزندان جنگیدی. با ختنه دختران و زنان که به بهره کم در زندگی شان قانع هستند، مخالفی و باین حال (در مقابل) ←

(Hamad, 2014: 87). واژه «التناقضات» مورد استفاده توسط عامر به تناقضات رفتاری و فکری همسرش اشاره دارد. می‌توان گفت این خصوصیت روانی شخصیت زهیه به‌نوعی پیش‌برنده روندها داستان بوده است.

۳-۲-۲. رویکرد روان‌شناختی و وسواس فکری و عملی^۱

ویژگی پایه‌ای وسواس فکری و عملی این است که افکار وسواسی موجب انجام اعمال اجباری می‌شود. افکار وسواسی، عقاید، تصورات یا تکانه‌هایی هستند که به‌طور مداوم و به‌صورت کلیشه‌ای و تکراری در ذهن بیمار نقش می‌بندند (Tuzandejani, 2004: 1).

یکی از مصادیق این بیماری، ترس از کثیفی و وسواس تمیزی و نظافت است. این نمونه از اختلال وسواس جبری فکری، وسواس عملی را در شخصیت زهیه را به‌وجود آورده است. با مطالعه صفحات ابتدایی رمان هم مشخص می‌شود که شخصیت اصلی داستان «زهیه» دچار بیماری وسواس فکری و عملی است. آنجا که می‌خوانیم:

«ألتقط أنفاسی و أنا أشعر برجفة تسری فی جسدی، أنأمل الفوضى، حبات الغبار التي بدأت تتسلق الخزانات إلى أن ينتابني القلق^۲» (Hamad, 2014: 9). همان‌طور که مشخص است، از دید زهیه غباری که ممکن بود درون کمدها راه پیدا کند، موجب تنگی نفس (ألتقط أنفاسی) و آسیب‌های روحی و جسمی او می‌شد. در واقع عاملی روانی بر جسم او تأثیر می‌گذارد و سبب برهم‌خوردگی روانی او می‌شود. همین بیماری نیز موجب رفتارها و صحبت‌های نامناسب با خدمتکاران منزلش شده بود. این بیماری به حدی در او نهادینه شده که با مشاهده عدم استفاده دارشین سریلانکایی از دستکش در حین آشپزی، موجب پرخاشگری در او می‌شود: «شاهدتها بأَمّ عینی تقطع البصل دونما قفازات. رفعت رأسها و أنا أستمها^۳» (Hamad, 2014: 31). واژه شمات (أستمها) بر بدرفتاری زهیه با خدمتکاران دلالت دارد. افکار وسواسی در زهیه در رابطه با خانواده او نیز بروز یافته است. حمد وسواس فکری-عملی را تنها در شخصیت محوری و زن رمان خود گنجانده است. نکته مهم این است که زهیه تلاشی برای رفع این مسئله نمی‌کند و به تغییر خدمتکار اکتفا می‌کند. با این حال در اواخر روایت، زهیه در نقش شخصیتی پویا، تغییر کرده و به گفته خود دیگر آن وسواس‌های فکری قبلی را ندارد.

→ با این زنان ساده‌ای که از مسافت‌های طولانی برای به‌دست‌آوردن پولی آمده‌اند که تو با فروختن فقط یک عبایت می‌توانی آن را به‌دست بیاوری، دشمنی می‌کنی.

1. Obsessive-compulsive disorder

۲. نفسم می‌گرفت و احساس لرزش عجیبی در بدنم می‌کردم، زمانی که به شلوغی نگاه می‌کردم. ذرات غباری که به داخل کمدها راه پیدا می‌کرد، نگرانی را به وجودم غالب می‌کرد.
۳. با چشم خود دیدم که بدون اینکه دستکش داشته باشد، مشغول خردکردن پیاز بود. در حین اینکه به او دشنام می‌دادم، سرش را بلند کرد.

۳-۲-۳. رویکرد روان‌شناختی و توسل به رؤیا

با توجه به تصویرپردازی منحصر به فردی که در رؤیا صورت می‌گیرد، این پدیده از دیرباز مورد توجه بوده است. اولین بار فروید خواب را از جنبه روان‌کاوانه بررسی کرد (Balouchi & Rahimi, 2014: 101).

شاید بتوان گفت مهم‌ترین عنصر روان‌کاوانه این رمان که نقشی فعال در روند رمان ایفا می‌کند، خواب است. عنوان رمان برگرفته از خواب زهیه و فانیس شخصیت‌های زن رمان است که خوابی مشترک داشتند و آن زنی بود که از پله‌های منزل زهیه بالا می‌رفت. حمد در این روایت به جنبه ناخودآگاه زنان اهمیت زیادی داده است و جریان روایت خود را نیز بر همین اساس پیش می‌برد. حتی نماد شخصیت زهیه در خواب نماد زن که خودش است در نظر گرفته شده است و همین موضوع است که این دو شخصیت را به هم نزدیک کرد. «یا الهی رأیت حلم فانیس، لایعقل» (Hamad, 2014: 112). «فانیس قولی لی ماذا رأیت فی حلمک الأخير؟» (همان: ۲۲۴). اشاره به لفظ «حلم» در حقیقت اشاره مستقیم به بعد روانی و ناخودآگاه زنان روایت است. رؤیاهای زهیه، همان ناخودآگاه او بود که به علت رفتارهای نامناسب با زنان و خدمتکارانش به شکل زنی که خودکشی می‌کرد، خود را نمایان کرده بود و او را پریشان می‌ساخت. می‌توان گفت رؤیای زهیه و نمادهای آن و انگاره‌هایش او را به سمت هدف و رفتار صحیح یعنی برخورد مناسب با خدمتکاران سوق داده است.

۳-۳-۳. رویکرد زبان‌شناسانه

شواستر بر این عقیده است که برای بررسی زبان زنانه، باید در واژه‌هایی که نویسنده به کار می‌گیرد متمرکز شد. او جوهر اصلی زبان زنانه را در بیان ناگفته‌هایی می‌داند که با سختی درآمیخته شده است (Showalter, 1981: 193).

۳-۳-۱. رویکرد زبان‌شناسانه و سطح واژگانی

یکی از تکنیک‌های زبانی که زنان نویسنده بیشتر از آن بهره می‌گیرند، کاربرد واژگان گوناگون است. در بخش واژگان این موضوع بررسی می‌شود که نویسنده برای بیان مقاصد خود، چه واژگانی را انتخاب کرده و دلیل انتخاب این واژگان چه بوده است (Mokhtar, 2016: 88).

۳-۳-۱-۱. واژگان مخصوص به زنان

با مطالعه رمان *تعد السلاّم* مخاطب پی می‌برد که نویسنده برخی از واژگان مربوط به

۱. خدایا، همان خواب فانیس را دیدم. با عقل جور در نمی‌آید.

۲. فانیس، آخرین خوابت چه خوابی بود؟ به من بگو.

دسته‌بندی‌های گوناگون را به کرات نام برده است. این دسته‌بندی شامل نام انواع غذا، واژگان مربوط به نقاشی و واژه‌های مربوط به تمیزی و نظافت است.

واژگان مربوط به انواع غذاها: نویسنده در بخش‌های گوناگون روایت خود به نام انواع غذاهای عربی و مواد تشکیل‌دهنده آنان اشاره می‌کند. واژگانی چون البریانی، المکبوس، الصالون، الهیریس و العریسة^۱ استفاده از واژگان مربوط به غذاها توسط شخصیت زهییه به دلیل نزدیکی طبع او با فراهم کردن غذا برای اعضای خانواده خود و فرزندانش است.

واژه‌های مربوط به تمیزی و نظافت: با توجه به اینکه زهییه وسواس فکری و عملی دارد، واژگان مربوط به این ویژگی او در طول رمان تکرار شده است، مانند: نظافة، غسل، اکسس، غیارات نظیفة. این بعد زبانی نیز با بعد روانی درهم آمیخته شده است و زهییه به دلیل وسواس فکری و عملی نظافت دائماً در پی استفاده از واژگان این حوزه است.

۳-۱-۲. رنگ‌واژه‌های خاص زنان

استفاده و اشاره دقیق زنان در انواع رنگ‌ها نشان از جزئی‌نگری و دقت آنان دارد. زنان از طیف واژگان زیادی برای اشاره به رنگ‌ها استفاده می‌کنند. این مسئله می‌تواند ناشی از کاربرد واژگان بیشتری برای تفکیک پدیده‌های جزئی نیز باشد (Mokhtari, 2016: 90).

از آنجا که طبق یافته‌های زبان‌شناسان، زبان زنان جزئی‌تر است، نویسنده این رمان برای انعکاس این جزئی‌نگری از نمود رنگ‌ها استفاده کرده است. حمد در توصیف مکان روایت، غذاها، البسه و حتی توصیف شخصیت‌ها و روحیات آنان از عنصر و واژگان مربوط به رنگ استفاده می‌کند. استفاده از رنگ واژه‌ها، بیشتر توسط شخصیت اصلی روایت یعنی زهییه برای توصیف موارد گوناگون از اشاره به جزئیات به کار می‌رود. کاربرد این رنگ‌واژه‌ها موجب می‌شود توصیفات دقیق‌تر صورت بگیرد. «لمن هذا اللون الأبيض، الأسمر، الأسود؟» (Hamad, 2014: 60). «عدة أوراق ملونة ومعطرة فارغة، مشبعة ببياض أسطرها» (Hamad, 2014: 176). در حقیقت استفاده از رنگ‌ها به روایت حمد رنگ و بویی زنانه بخشیده و دقت در توصیف این رنگ‌ها برای بیان احساسات و روحیات زنانه موجب شده است خواننده با داستان و روند روایت نزدیکی بیشتری پیدا کند و فضای روایت را درک کند. رنگ‌واژه‌ها روحیات زنانه را نمایش می‌دهد که برای توصیف همه مسائل و ابراز احساسات، از عنصر رنگ استفاده می‌کنند.

از آنجا که زهییه نقاش و هنرمند است، نویسنده با کاربرد رنگ‌واژه‌ها از زبان او، افق و تصویر

۱. تمیز کردن، شستن، جارو کردن، پارچه‌های تمیز.

این رنگ‌ها برای کیست؟ سفید، گندمی و سیاه؟

۲. چند کاغذ رنگی و معطر که خط‌هایشان با رنگ سفید پر شده بود.

دیدش را به مخاطب نشان می‌دهد. نویسنده با رنگ‌واژه‌ها به زبان رمان، زیبایی بخشیده است. از سوی دیگر استفاده از رنگ‌واژگان، نشانگر احساسات شخصیت اصلی زن روایت نیز هست.

۳-۳-۲. رویکرد زبان‌شناسانه و کاربردست لهجه

آثار زنان بیشتر از مردان از محیط اجتماعی تأثیر گرفته است و آن را توصیف می‌کند. به همین علت زبان زنان بیشتر از مردان با محیط درآمیخته شده است. مردان نویسنده کمتر از واژگان عامیانه استفاده می‌کنند (Fayaz & Rahri, 2015: 48). «فلن لها: «زبانی البنت بتضع و بتتحرف. الغربة تفسد» (Hamad, 2014: 34).

استفاده زیاد لهجه از زبان مادر زهیه می‌تواند اشاره‌ای به این موضوع باشد که استفاده از لهجه از زبان زنان بیشتر از مردان صورت می‌گیرد. در جملات عامر همسر زهیه نیز گهگاهی از لهجه عامیانه استفاده شده است. «العمل هو العمل نفسه، فلیش الراتب أقل؟» (Hamad, 2014: 84). علت این موضوع ممکن است نمایش فاصله نزدیک عاطفی زهیه و همسرش و دورشدن از فضای رسمی باشد.

حمد برای صحبت‌های میان افراد خانواده و شخصیت‌ها نیز از عبارتهای عامیانه بهره می‌گیرد. این موضوع به شخصیت‌ها هویت و استقلال نیز می‌بخشد و موجب تقویت جنبه عاطفی جملات و تأثیرگذاری بر خواننده نیز می‌شود. علاوه بر این، استفاده از لهجه عربی، افزون بر کارکرد هویتی، بار معنایی و عاطفی جملات را بالا می‌برد و نوعی از نرمی و لطافت را به مخاطب القا می‌کند (Mohebbikia, 2016: 80).

نویسنده برای نمایان و متمایز کردن سخن عامه مردم از لهجه استفاده کرده و از عربی فصیح فاصله گرفته است. این موضوع هوشمندانه از جانب نویسنده به جهت القای واقعیت و صمیمیت با مخاطب خود بوده و در مواضع گوناگون در رمان تکرار شده است. کاربرد لهجه از زبان شخصیت عامر و مادر زهیه فراوانی بیشتری دارد.

۳-۴. رویکرد فرهنگی

درواقع این رویکرد به دنبال بررسی نوع نگاه به زنان است و می‌توان آن را در پیوند با نقد جامعه‌شناسانه در نظر گرفت (Gengembre, 1996: 13-14).

۱. به مادرم گفتند: دختر از دست می‌رود و منحرف می‌شود. غربت فاسد می‌کند.

۲. کار همان کار است. برای چه حقوق فائیش کمتر است؟

۳-۴-۱. رویکرد فرهنگی و تجاوز جنسی زنان

تجاوز جنسی یا تجاوز به عنف که از مصادیق خشونت است، رفتاری است که در جهت آسیب‌رساندن به دیگری از بعد جنسی سر می‌زند و این موضوع سبب اضطراب و ناامنی خود قربانی و اطرافیان می‌شود. این نوع آزار زنان پیشینه‌ای طولانی دارد و پیامدهای خانوادگی و اجتماعی زیادی به دنبال داشته است (Sadiq Sarwestani, 2006: 103).

نویسنده از این بعد مهم فرهنگی وضعیت زنان غافل نشده است. او موضوع تجاوز را در دو بخش مهم داستان بیان کرده است. نویسنده اولین بار موضوع تجاوز را در قالب بازگشت به گذشته و پرسش زمانی خاطرات مادر بزرگ فانیس را در پی مسئله قاچاق زنان مطرح می‌کند: «جدتی عندما اختطفها زوجها و هی فی التاسعة من عمرها، فاغتصبها و من ثم تزوجها» (Hamad, 2014: 160). نویسنده با اشاره به «التاسعة من عمرها» (۹ سالگی) مادر بزرگش، به طور غیرمستقیم از مسئله کودک‌همسری نیز انتقاد کرده است. علاوه بر کودک‌همسری، نویسنده با لفظ «فاغتصبها» نیز عدم تمایل مادر بزرگ فانیس و اجبار او به تجاوز جنسی را نشان می‌دهد.

اشاره دیگر به این مسئله نیز از زبان فانیس با فلش‌بک در خاطرات خود صورت می‌گیرد؛ زمانی که در عربستان و در خانه مومی مشغول به کار بود و در معرض تجاوز توسط خدمتکار دیگر آن خانه به نام ضاری قرار گرفت: «لطم ضاری الباب بكتفه و دخل غرفتی... دخل علی. ظلمت أقاوم و أصرخ. تعالی صراخی. قضم فخذی بأسنانه كحيوان هائج» (Hamad, 2014: 178). در این بخش داستان، فانیس به علت سن بالاتر در مقایسه با مادر بزرگ مقاومت می‌کند و این به قیمت ازدست‌دادن شغلش تمام می‌شود. از سوی دیگر حاجیه‌خانم مومی نیز علی‌رغم مقصربودن مرد و ضاری، فانیس را مجازات می‌کند که این موضوع نیز خود می‌تواند گونه‌ای از زن‌ستیزی قلمداد شود.

حمد با بیان این مسئله، به دنبال آن است تا مخاطبان خود را از این موضوع آگاه کند. در حقیقت، نویسنده با اشاره به این مسئله در پی بازگویی پیامدها و نتایج این آسیب بزرگ اجتماعی برای زنان است. او با اشاره به این موضوع که در ابعاد بزرگ‌تر در فرهنگ جامعه نیز وجود دارد، به نقش و ارتباط میان زنان و جامعه و فرهنگ می‌پردازد.

۳-۴-۲. رویکرد فرهنگی و خشونت جسمی

خشونت جسمی، خشونت است که به رنج یا آسیب‌دیدن فرد خشونت‌دیده، منجر می‌شود یا او را در معرض وقوع چنین آسیب‌هایی قرار می‌دهد (Ranjran, 2018: 43). در بخشی از رمان، فانیس به

۱. مادر بزرگم در نه‌سالگی و زمانی که همسرش او را ربود، به او تجاوز کرد و با او ازدواج کرد. ضاری با کتفش به در ضربه زد و وارد اتاقم شد... به سمت من آمد. همچنان مقاومت کردم و جیغ زدم. صدای فریادم بلند شد. مانند حیوانی وحشی دندان‌هایش را در رانم فرو کرد.

کتک‌زدن زنانی که به اسارت گرفته شده بودند اشاره می‌کند: «دخل صاحب المحلّ و هو یرکل إحداهنّ فی بطنها و علی ساقیها بوحشیة» (Hamad, 2014: 180). لفظ «وحشیة» نشان از میزان آزار جسمی زنان توسط مردان دارد. حمد به نابرابری زنان و مردان اشاره کرده است که زنان به علت ضعف بدنی نسبت مردان مورد آسیب جسمی توسط آنان قرار می‌گیرند و مردان به نوعی با این عمل، برتری خود را به رخ زنان می‌کشند. حمد با نمایش تصویر آزار جسمی زنان، حقوق تضییع‌شده آنان را به مخاطب یادآوری می‌کند.

حمد به خشونت جسمی پدران بر فرزندان دختر نیز اشاره می‌کند. او با اشاره به این نوع از آزار زنان، خشونت علیه زنان را در محیط خانواده و پدرسالارانه نشان می‌دهد. «کَلَمَا ضَرَبَنِي أُبِي عِدَدَتِ أَصَابِعِ يَدِي وَ قَدَمِي خَوْفًا مِنْ أَنْ تَنْقُصَ إِحْدَاهَا» (Hamad, 2014: 74). این خشونت فیزیکی توسط پدر زهیه انجام می‌شد و در ناخودآگاه زهیه ثبت شده بود؛ به طوری که در رمان شاهد فلش‌بک‌های ذهنی این شخصیت به دوران کودکی اش هستیم که به آزار روحی و روان‌پریشی او نیز منجر شده بود. در جامعه مردسالار، مردان برای نمایش قدرت خود، زنان را به اشکال گوناگون تحت آزار جسمی و روانی قرار می‌دهند. در این رمان، پدرسالاری، عاملی برای خشونت جسمی علیه زنان است. در این نسبت، پدر و فرزند دختر در جایگاه حاکم و محکوم قرار می‌گیرند که پدر حق اعمال خشونت جسمی بر فرزند دختر را دارد (De Beauvoir, 2008: 98).

اشاره به این مسئله در ابتدای رمان و در محیط خانواده توسط حمد نشان می‌دهد نویسنده قصد دارد تأکید کند خشونت بر زنان از محیط خانواده شروع می‌شود و در ابعاد بزرگ‌تر و در جامعه خود را نمایان می‌کند. در این راستا باید آگاهی‌بخشی و مبارزه با این پدیده ابتدا از خانواده آغاز شود.

۳-۴-۲-۱. رویکرد فرهنگی و قاچاق زنان

قاچاق که از مصادیق خشونت جنسی است، در معنای کلی به معنای حمل‌ونقل غیرقانونی از نقطه‌ای به نقطه دیگر است و شامل قاچاق داخلی (در مرزهای یک کشور) و قاچاق خارجی (در خارج از مرزهای یک کشور) می‌شود. جامعه‌شناسان علت‌های گوناگونی برای قاچاق انسان و به‌ویژه زنان و کودکان مطرح کرده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها بهره‌کشی جنسی بوده است. قاچاق انسان به معنای انتقال انسان‌ها با توسل به فریب، زور، تهدید و... است. قاچاقچیان فرد را در ازای بیگاری، خدمتکاری یا پرداخت وجه نگه می‌دارند (Ranjran, 2018: 50-51).

در رمان *تعد السلالم* به مسئله قاچاق انسان و به‌ویژه قاچاق زنان اشاره شده است. این موضوع در زندگی فانیس، خدمتکار زهیه رخ داد که به دلیل فقر، مجبور به مهاجرت شده بود و

۱. صاحب مغازه وارد شد و به شکم و ساق پای یکی از زنان با خشونت و وحشی‌گری لگد زد.

۲. هر وقت پدرم کتکم می‌زد، انگشت‌های دستانم را می‌شمردم از ترس اینکه یکی از آن‌ها کم شده باشد.

قاچاقچیان او را در ازای پول به اسارت گرفته بودند و به‌عنوان برده به خانواده‌های ثروتمند می‌فروختند. فانیش در خاطراتش گفته بود: «تلقى والدى ردا من عصابة/تهريب التى تدبّر لى ذهابا سريعا إلى السعودية»^۱ (Hamad, 2014: 159). اشاره نویسنده به قاچاق زنان می‌تواند به‌نوعی تأکید بر این موضوع باشد که این پدیده نوعی از اعمال خشونت علیه آنان و نمایش مظلومیت آنان در نظامی باشد که مردسالاری بر آن غالب است و در پی آن است تا زنان را تحت سلطه خود آورد (Esfandiari, 2017: 139).

در ادامه فانیش به قاچاق مادربرگش هم اشاره می‌کند. نویسنده با فلش‌بک و پرش زمانی به گذشته به داستان زندگی مادربرگ فانیش گذر می‌کند. همچنین به مسئله سودجویی مالی قاچاقچیان نیز اشاره می‌شود که او در ازای ویزای کار در عربستان و گذرنامه خود، باید مبلغی را به قاچاقچیان نیز بدهد: «كأنى أعيد حكاية جدتى بطريقة أخرى. الاتفاق الظالم مع العصابة كان ينص على أن تأخذ نصف مرتبى أول سنة خدمة مقابل جواز السفر وتأشيرة الدخول إلى السعودية»^۲ (Hamad, 2014: 160). درواقع، حمد با مشاهده قاچاق آفریقایی‌ها و به‌ویژه زنان در جامعه عمان، به شکلی غیرمستقیم از این پدیده انتقاد کرده است. وی با آگاهی‌بخشی به مخاطب خود، او را از تبعات و ابعاد گوناگون آن باخبر می‌کند. نویسنده با هشدارى ادیبانه، به مخاطب خود القا می‌کند که جلوی این رخداد را در جامعه خود بگیرند تا از آسیب‌های اجتماعی آن در امان باشند.

۳-۴-۳. رویکرد فرهنگی و کالانگاری زنان

یکی از اشکال خشونت بر زنان، کالانگاری زنان است. این موضوع می‌تواند به دلایلی چون آسیب‌پذیری زنان یا جاذبه‌های جنسی آنان صورت بگیرد (Ranjran, 2018: 48-49). در رمان به مسئله برده‌داری زنان و خریدوفروش آنان اشاره می‌شود. این مسئله که برای فانیش رخ داده است، منجر به تغییر جریان زندگی او می‌شود و مورد آزار و اذیت‌های زیادی قرار می‌گیرد. «كثير من الرجال والسيدات دخلوا و خرجوا. تفرّجوا علينا كما يتفرّجون على بضاعة معروضة للبيع»^۳ (Hamad, 2014: 180). «عندما رفضت العودة إلى أثيوبيا، قرّرت السيدة أن تحوّلنى إلى ملكية أخرى»^۴ (Ibid: 163). این موضوع که زنان همچون کالایی در دست افرادی برای مبادله شدن در نظر گرفته می‌شدند، با لفظ «ملکیت» نشان داده شده است. این موضوع به علت بهره‌برداری مالی صورت گرفته است.

۱. پدرم پاسخی را از مافیای قاچاق انسان که راهی بسیار سریع را برای رساندنم به عربستان پیدا کرده‌اند، دریافت کرد.

۲. انگار که قصه مادربرگم داشت به شکل دیگری برای من تکرار می‌شد. توافق ظالمانه‌ای که با قاچاقچیان بسته شده بود این بند را شامل می‌شد که نصف حقوق سال اول خدمتکاری‌ام به آن‌ها تعلق گیرد. در مقابل آن نیز گذرنامه و ویزای کار عربستان را می‌گرفتم.

۳. بسیاری از مردان و زنان آمدند و رفتند. به ما چون کالایی برای فروش نگاه می‌شد.

۴. هنگامی که بازگشت به اتیوپی را نپذیرفتم، حاج خانم تصمیم گرفت مرا به ملکیت شخص دیگری درآورد.

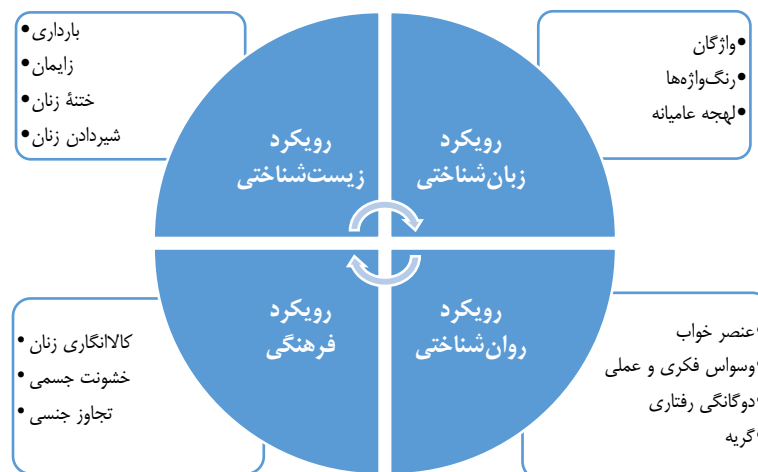
نویسنده به مسئله برده‌داری زنان به قصد اهداف مالی و جسمی اشاره می‌کند و با زبان روایت و زنانه خود خواهان توقف این پدیده شده است. کالانگاری زنان با مفهوم شیء‌گونه‌گی زنان پیوند عمیقی دارد و می‌توان آن را شکلی از غلبه مردسالاری و حاکمیت آنان در جامعه در نظر گرفت؛ به شکلی که زنان در جایگاه فرودست، چون کالایی هستند که مردان در جایگاه فرادست، رئیس و صاحب زنان به حساب می‌آیند و زنان مطیع و فرمان‌بردار آنها هستند. زنان در این جوامع حقی برای تعیین سرنوشت خود ندارند (Kateb, 2016: 19-20). این بعد از آزار زنان به خشونت روانی علیه آنها نیز منجر شده است و آثار روانی در طولانی مدت در آنها ایجاد می‌کند؛ چنان که در این رمان نیز فانیس اثرات این موضوعات را به هیچ‌وجه فراموش نکرده و در زندگی او اثرگذار بوده است.

۴. نتیجه‌گیری

هدی حمد با برجسته سازی نقش «جنسیت زنان» و اشاره به هر چهار بعد نقش این جنس «روانی، زبانی، بیولوژیکی و فرهنگی» که در تطبیق با نظریه شوالتر قرار می‌گیرد، مهم‌ترین اهداف «نوشتار زنانه» را محقق کرده است. از آن روی که حمد تلاش کرده است تا در قالب زبان زنانه برای ایجاد و گسترش نقش و حقوق زنان در ابعاد روانی، اجتماعی و فرهنگی تأثیرگذار باشد. می‌توان گفت نویسنده در انعکاس نوشتار زنانه که سویه‌های اجتماعی هویت زنانه را برجسته می‌کند، موفق عمل کرده است.

فرهنگ غالب بر جامعه بر سه رویکرد دیگر شوالتر یعنی رویکرد زیستی، روان‌کاوانه و زبان‌شناسی اثرگذار است. این به این معنا است که جسم و روان و زبان زنان در ارتباط با فرهنگ جامعه نیز است. حمد در بازتاب ابعاد گوناگون زنان، در اوایل رمان به نقش‌های زیستی زنان چون بارداری، زایمان و... اهمیت بیشتری قائل شده است. این در حالی است که در اواسط و پایان روایت نقش‌های هویتی زنان و مشکلات آنان در جامعه و حتی جهان تقویت شده است و زنان در تغییر شرایط خود موفق عمل کرده‌اند. می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که حمد تحت تأثیر جنسیت خود ابعاد زیستی، روان‌کاوانه و فرهنگی زنان را درک کرده و دغدغه‌های آنان را در قالب زبان و جنسیت انعکاس داده است. حمد با اشاره به بعد روان‌کاوانه زنان، در پی بارزکردن مفهوم «جنس» و جنسیت است.

هدی حمد در قالب زبان و ادبیات خود بیان دغدغه‌ها و مشکلات فرهنگی و اجتماعی زنان را در اولویت خود قرار داده است. او در رویکرد فرهنگی روایت خود از مسائلی پرده برداشته که مشکلات جدی و عمیق زنان را آشکار می‌کند که علاوه بر آسیب روانی به آنان، جان آنان را نیز نشانه می‌گیرد. می‌توان الگوی شوالتر در روایت حمد را به صورت شکل ۱ نمایش داد.



شکل ۱. الگوی شوالتر در روایت حمد

هر چهار الگو در روایت حمد با یکدیگر در ارتباط هستند و در راستای یکدیگر قرار می‌گیرند و بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. در حقیقت، حمد با شیوه خاص نوشتار زنانه، مسائل عمیق فرهنگی چون قاچاق زنان و برده‌داری آن‌ها، آسیب جسمی را مطرح کرده و به‌نوعی وجوب ایجاد تغییرات اجتماعی در خصوص زنان را یادآور شده است. مفهوم رمان تحت تأثیر بعد فرهنگی زنان و دغدغه‌های جدی آنان است و نویسنده این سویه را برجسته کرده است. او در دل مسائل زیستی-روانی خود نیز مسائل عمیق فرهنگی را مطرح کرده است و از زبان زنانه برای این مهم بهره می‌گیرد. حمد با خلق اثری زنانه که مفاهیمی فمینیستی دارد در تلاش است گامی در جهت مبارزه با مشکلات زنان نه تنها در سطح جامعه خود بلکه در سطح جهانی بردارد. آشنایی با این تفکرات و واکاوی دغدغه‌های زنانه این اثر، مخاطب را به پویایی ذهنی و عملی در جهت رفع آنان وامی‌دارد.

۵. تعارض منافع

این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق قوانین و مقررات اخلاقی انجام شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش احتمالی تعارض منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت موارد ذکر شده را برعهده می‌گیرند.

References

- Balouchi, M., & Rahimi, S. (2014). *Sleep and dream disorders: psychological and pathophysiological aspects*. *Neuroscience Journal of Shefaye Khatam*, 3(4), 99-111.
<http://dx.doi.org/10.18869/acadpub.shefa.3.4.99> (In Persian)
- Dad, S. (2003). *Dictionary of literary terms*. Tehran: Marvarid. (In Persian)
- De Beauvoir, S. (2008). *Genus II* (7th Ed.). Translated by: Q. Sanawi. Tehran: Toos. (In Persian)
- Elahidoost, S., Rabbani, A., & Shams, B. (2012). Women, motherhood and breastfeeding. *Women's Research Journal*, 4(1), 1-38.
https://womenstudy.ihs.ac.ir/article_1062.html (In Persian)
- Esfandiari, Z. (2017). *Feminist criticism of the novel "Onsa al-Ankabut" by Ghomashah Olayan sed on the theory of Simone de Beauvoir*. Yazd University, Faculty of Literature. (In Persian)
- Fayaz, E., & Rahbari, Z. (2015). Female voice in contemporary Iranian literature. *Journal of Women's Research*, 4, 50-23.
https://jwdp.ut.ac.ir/article_19235.html (In Persian)
- Gengembre, G. (1996). *La critique littéraire*. Paris: Hachette.
- Hamad, H. (2014). *Allati taodo al-salalem* (1st Ed.). Beirut: Dar Al-Adab.
- Hamad, H. (2016). *Cinderellat masqat* (1st Ed.). Beirut: Dar Al-Adab.
- Hoda Hamed entry in the website of the International Prize for Arabic Fiction. <https://www.arabicfiction.org/en/node/1167> Retrieved March 2023.
- Kateb, Kh. (2016). *Topics of feminist writing in the novel Out of the Body by Laaf Al-tani*. Al-Jazair: Al-Arabiaian Al-Mahdi University.
- Mohammadi Asl, A. (2009). *Gender and sociolinguistics*. Tehran: Golazin. (In Persian)
- Mohebikia, M. (2016). *Investigation and analysis of women's discourse in Ahlam Mostaghanemi's novels*. Kashan: Kashan University. (In Persian)
- Mokhtari, A. (2016). *Review and analysis of Raja Alam r's novel "setr" from the point of view of women-oriented criticism*. Kurdistan: University of Kurdistan, Faculty of Literature. (In Persian)
- Payandeh, H. (2003). *Critical discourse*. Tehran: Rouzegar. (In Persian)
- Ranjran, Q., & Debirzadeh, E. (2018). *Violence against women in Iranian criminal law and international documents* (1st Ed.). Tehran: Culture Publishing House. (In Persian)

- Robbins, R. (2009). *Literary feminisms*. Tehran: Khaneh Ketab. (In Persian)
- Sadiq Sarvestani, R. (2006). Social pathology; Sociology of social deviations (2nd Ed.). Tehran: University of Tehran. (In Persian)
- Showalter, E. (1981). Feminist criticism in the wilderness. *Critical Inquiry*, 8(2), 179-205.
<https://www.journals.uchicago.edu/doi/abs/10.1086/448150>
- Showalter, E. (1997). *Toward a Feminist poetics*. Edited by Newton, K. London: Macmillan Education.
- Tuzandejani, H., & Kamalpour, N. (2004). How to deal with obsessive thoughts and actions? *Journal of Mental Health Principles*, 21, 1-11. (In Persian)
- Tyson, L. (2012). *Theories of literary criticism* (2nd Ed.). Translated by M. Hosseinzadeh & F. Hosseini. Tehran: Negah-e Emruz. (In Persian)
- World Health Organization (2014). *Female genital mutilation fact sheet*.
<https://apps.who.int/iris/handle/10665/112328>
- Zaer Kabeh, R. (2018). Generational Gap: A Sociological Examination of a Social Issue. *Roshd Journal of Social Science Education*, 88, 47. (In Persian)